

### واژه‌نامه

<b>مَلِک:</b> پادشاه، خداوند (مَلْک: فرشته)	<b>ثنا:</b> ستایش، سپاس
<b>فضل:</b> بخشش، کرم	<b>شبهه:</b> مانند، مثل، همسان
<b>پوییدن:</b> حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن	<b>وهم:</b> پندار، تصوّر، خیال
و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن	<b>عزّ:</b> ارجمندی، گرامی شدن، مقابل دُلّ
<b>توحید:</b> خدا را یگانه دانستن	<b>جلال:</b> بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام
<b>سزا:</b> سزاوار، شایسته، لایق	کبرایی او اشاره دارد.
<b>حکیم:</b> دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های	<b>یقین:</b> بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت
خداوند تعالی؛ به این معنا که همه کارهای خداوند از	شده باشد.
روی دلیل و برهان است و کار بی‌پهوده انجام نمی‌دهد.	<b>سرور:</b> شادی، خوشحالی
<b>کریم:</b> بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند	<b>جود:</b> بخشش، سخاوت، کرم
<b>رحیم:</b> بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند	<b>جزا:</b> پاداش کار نیک
<b>نماینده:</b> آنکه آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده	<b>روی:</b> چاره، امکان، راه

معنی آیات (ملکا، ذکر تو گویم) ..... صفحه ۱۰ کتاب درسی

فارسی

ستایش

ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی

خداوند، تنها نام تو را بر زبان می‌آورم زیرا پروردگار پاک من هستی و جز به راهی که تو نشانم می‌دهی، نمی‌روم. (جز به راهی که تو راهنمای من هستی، نمی‌روم.)

**آریه ۱:** «تلمیح به «الحمد لله»، «اهدنا الصراط المستقیم» و «سبحان الله» / توأم راه‌نمایی: ایهام (۱- تو آن راه را نشانم می‌دهی. ۲- تو راهنمای من هستی.) / مَلِک: استعاره و مجاز از خداوند

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

تنها در جست‌وجوی بارگاه تو هستم؛ به سبب لطف و کرم تو، در پویه و تلاشم؛ تنها ذکر یگانگی تو را می‌گویم؛ زیرا سزاوار یگانگی هستی.

**آریه ۲:** «تلمیح به «ایاک نعبد» و «قل هو الله احد» / جویم، پویم، گویم: جناس ناهمسان (ناقص)



## تو حکیمی تو عظیمی تو کرمی تو رحیمی / تو نماینده فضلی تو سزاوار شنایی

خداوندا، تو دانا، بزرگ، بخشنده و مهربان هستی، تو نشان‌دهنده لطف و بخشندگی و شایسته ستایش هستی.

**آرایه:** تلمیح به «بسم الله الرحمن الرحيم» / حکیم، عظیم، کریم، رحیم (صفات الهی): مراعات نظیر/ تو: واژه‌آرایی / واج‌آرایی مصوت «ی»

## توان وصف تو گفتن که تو در فهم گنجی / توان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

نمی‌توان تو را وصف کرد زیرا تو فراتر از فهم و ادراک هستی و نمی‌توان مثل و ماندنی برای تو تصوّر کرد زیرا تو در وهم و خیال نمی‌گنجی.

**آرایه:** تلمیح به «لیس کمله شیء» / فهم، وهم: جناس ناهمسان (ناقص)

## همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

خدایا تو عزت، شکوه، دانش و باور هستی؛ روشنی، شادی، بخشش و پاداش هستی.

**آرایه:** تلمیح به «الله نور السموات و الارض» و «ذوالجلال و الاکرام» / عز، جلال، علم، یقین، نور، سرور، جود، جزا (اسامی خداوند): مراعات نظیر/ واج‌آرایی مصوت «ی» / همه: واژه‌آرایی (تکرار)

**نکته:** در بیت، هشت جمله دیده می‌شود: همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی / نوع واو: ربط (زیرا بعد از فعل آمده‌اند).

## همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو پوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کمّی تو فریابی

همه رازهای نهانی را می‌دانی و همه عیب‌ها را می‌پوشانی، همه کم و زیاد شدن‌ها به دست توست.

**آرایه:** تلمیح به «عَلَامُ الْغُیُوبِ»، «سِتَارُ الْعُیُوبِ» و «تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلُّ مِنْ تَشَاءٍ» / بیشی، کمی - بگاهی، فریابی: تضاد / غیبی، عیبی: جناس ناهمسان (ناقص) / همه، تو: واژه‌آرایی (تکرار)

## لب و دندان سنایی، همه توجید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی ربایی

سنایی با تمام وجود، یگانگی تو را می‌ستاید. امید است (شاید) که او (سنایی) از آتش دوزخ رهایی بیابد.

**آرایه:** لب و دندان: مجاز از کَلِّ وجود/ روی: ایهام تناسب (۱- معنی نزدیک: امید، راه، امکان ۲- معنی دور: چهره، تناسب با لب و دندان) / آتش، دوزخ - لب، دندان، روی: مراعات نظیر

**نکته:** نقش ضمیر «ش»: متمم (بودش روی رهایی: برای او امید رهایی باشد).

دیوان شعر حکیم سنایی غزنوی